

تحلیل حقوقی وام قرض الحسنه در معیشت اقتصادی قشر فقیر جامعه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۲۰)

علیرضا عباسی فرید

چکیده

اسلام توجه ویژه ای به عدالت اقتصادی دارد و ریشه اصلی بسیاری از مشکلات را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند و اساس فرهنگ اسلامی به گونه‌ای است که در آن به حل مشکلات مربوط به فقر و عدالت اجتماعی توجه ویژه ای شده است. در واقع کاهش نابرابری های مادی و رفع فقر در هر نظام اقتصادی سهم بسیاری در برقراری عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. سیاست‌های مناسب در دستیابی به عدالت اجتماعی براساس جریان وابسته‌ای که کلیه محورها و موضوعاتی که با هم ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارند، تحقق اهداف را نزدیک‌تر خواهد ساخت. نکته این جا است که در جهت توزیع متعادل‌تر درآمد، همواره مناطق و نواحی گوناگون یا افراد جامعه یکسان بهره‌مند نمی‌شوند و این باعث خواهد شد که دستیابی به عدالت اجتماعی با وقفه طولانی‌تر امکان‌پذیر شود. چنانچه افراد کم درآمد و فقیر در این فرایند از بهره‌مندی کافی برخوردار باشند می‌توان ادعا کرد که تحقق عدالت اجتماعی هموارتر شده است. در ادبیات عدالت اجتماعی برابری فرصت ها نقش مهمی در کاهش ناعدالتی در توزیع امکانات خواهد داشت. از سوی دیگر گروه های کم درآمد جامعه در وضعیتی قرار دارند که توانایی کم تری در استفاده از فرصت های مالی را در اختیار دارند؛ از این رو هر چه فرصت استفاده از امکانات مالی برای گروه های فقیر و کم درآمد محقق باشد، تحقق عدالت اجتماعی عملی تر خواهد شد.

بخش اول: اثر قرض بر توزیع درآمد

توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند؛ از این رو در این مکتب عنایت ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی - اقتصادی شده است. قرض‌الحسنه از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته و مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن می‌کنند می‌تواند نقش مؤثری در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد. در اسلام مردم تشویق به دادن قرض‌الحسنه شده‌اند و بدین وسیله بین دنیا و آخرت آن‌ها پیوند ایجاد شده است. اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. قرض‌الحسنه به عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنانچه بیشتر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک‌تر می‌شویم. در قرض‌الحسنه ثروتمندان بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می‌کنند و در یک دوره زمانی معین به فقیران اختصاص می‌دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد می‌توان جریان مداوم ثروت از توانگران به نیازمندان را پیش‌بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می‌توان گفت: در قرض‌الحسنه نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند زمانی در تحقق عدالت اجتماعی آثار مثبت از خود بر جای می‌نهد که با کشش پذیری عرضه و قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، در زمینه کالاهای ضروری همراه باشد؛^۱ و گرنه با بالا رفتن تقاضا برای این کالاها، سطح قیمت‌ها فزونی می‌یابد و آثار توزیعی قرض خنثی می‌شود. با توجه به اهداف دولت اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی، دولت موظف است چنین قابلیت‌هایی را پدید آورد. طبق اصل پیگو و براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد،

^۱ . علی اصغر هادوی‌نیا، «ارزیابی عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران» مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه

اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۸۲.

آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پر درآمد از مطلوبیت کمتری برخوردار است. در مقابل آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم درآمد از مطلوبیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین صاحبان درآمدهای بالا در جدا شدن بخش مزبور از درآمدهای شان و انتقال آن به گروه‌های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی‌دهند.^۱ حال با توجه به پاداش معنوی‌ای که برای قرض‌الحسنه در نظر گرفته شده است ثروتمندان انگیزه بیشتری در پرداخت قرض‌الحسنه از خود نشان می‌دهند. پرداخت قرض‌الحسنه در این شرایط ضمن این که مطلوبیت کل جامعه از افزایش می‌دهد، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را به دنبال خواهد داشت. آنچه که در قرض‌الحسنه اهمیت پیدا می‌کند نقش بیش‌تر بخش خصوصی و اتکای کم‌تر به دولت در تأمین نیازمندان و ایجاد توازن اقتصادی است.^۲ در واقع نهاد قرض‌الحسنه را می‌توان جزء نهادهای خصوصی مشارکت مردم در تأمین اهداف اقتصادی دانست.^۳ در این نهاد قرض گیرندگان کسانی هستند که اولاً: به پول یا سرمایه غیر نقدی یا کالا، نیازمندند و ثانیاً: قدرت بازپرداخت قرض خود در آینده را دارند. بر خلاف صدقه گیرندگان که قدرت بازپرداخت را به هیچ وجه ندارند. قرض دهندگان نیز کسانی هستند که با مازاد درآمد روبرو بوده و مایلند بدون انگیزه سود، منافع این مازاد را ایثار کنند.^۴ قرض دهندگان هم‌چنین می‌توانند شامل کسانی باشند که از توان مالی لازم برای قرض دادن برخوردار نیستند و با ایجاد صندوق‌های تعاون قرض و همیاری، امکان قرص دادن را فراهم می‌آورند. بر این اساس این نهاد برای تحقق دو هدف اعتلای معنوی و عدالت اقتصادی، وضع شده است. چون قرض بعد از تحقق توزیع درآمد توسط مکانیسم بازار و نیز بعد از اجرای سیاست‌های مالی دولت و سیاست‌های توزیع مجدد درآمدها مطرح می‌باشد، وام دهنده به تخصیص درآمد قابل تصرف

^۱ .یدا... دادگر، اقتصاد بخش عمومی، چاپ اول: دانشگاه مفید، قم ۱۳۸۰، ص ۳۳.

^۲ . سید حسین میرمعزی، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی»، مجله نامه مفید،

ش ۱۴، ص ۲۱۴.

^۳ . همان، ۲۰۶.

^۴ . همان ص ۲۰۶-۲۰۸.





و یا همان درآمد شخصی خود اقدام می‌کند. از سوی دیگر در بررسی مسئله نابرابری توزیع درآمد، تنها با توزیع شخصی یا مقداری درآمد سر و کار داریم. بنابراین بهتر است برای بررسی الگوی توزیع درآمد از درآمد قابل تصرف استفاده گردد.

بخش دوم: تحریم ربا، جایگاه قرض الحسنه و توزیع درآمد

در نظام اقتصاد اسلامی تحصیل درآمد از طریق ربای قرضی و معاملی وجود ندارد. این مسئله تأثیر زیادی در توزیع عادلانه درآمد حاصل از تولید بین عوامل شرکت کننده در آن را دارد.^۱ یکی از مفاسد مهم ربا این است که در تأمین سرمایه براساس آن، صاحب کار اقتصادی با قطع نظر از عملکرد فعالیت اقتصادی متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانکی است که باعث به وجود آمدن متغیری «برون‌زا» در اقتصاد شده، درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل می‌گیرد که خود آثار سوئی چون ناعادلانه شدن توزیع درآمدها و تورم را به دنبال دارد و توازن اقتصادی کشور را در هم می‌کوبد.^۲ برای اثبات این مطلب به بخشی از مطالب مندرج در کتاب «پول، بهره، بحران‌های اقتصادی - اجتماعی» نوشته هلموت کرویتس اشاره می‌کنیم.^۳ کرویتس می‌نویسد: در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۷ به رغم کاهش نرخ بهره، درآمد بهره بانک‌ها افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳ بانک‌ها با کسب ۴۳۱ میلیارد مارک حدود نه برابر ۱۹۷۰ درآمد بهره داشتند در حالی که در همین فاصله زمانی تولید ناخالص ملی تنها ۴/۲ برابر شده است.

در واقع خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره چنین است که در آغاز، همه به یک اندازه پول در اختیار دارند ولی در پایان بازی تنها یک نفر و یا یک عده کمی، پول زیادی در

۱. سید حسین میرمعزی، پیشین، ص ۲۱۴.

۲. سید عباس موسویان، «بهره بانک‌های دولتی»، مجله نامه مفید، ش ۱۴، ص ۲۲۶.

۳. هلموت کرویتس، پول، بهره، بحران‌های اقتصادی - اجتماعی، ترجمه حمید رضا شهمیرادی، چاپ اول: کانون اندیشه

جوان، تهران ۱۳۷۸.

۴. همان، ص ۹۸.

اختیار دارند؛ حال آن که ممکن است عده‌ای هیچ پولی در اختیار نداشته باشند. ریشه اصلی این جابجایی ناعادلانه، نظام بهره است. در سیستم بانک‌داری اسلامی بخشی از سپرده‌های پس‌انداز را تحت عنوان تحت عنوان سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه در نظر گرفته‌اند. این سپرده‌ها شامل مبالغی هستند که پس‌انداز کنندگان به بانک می‌پردازند و در واقع برای خود حساب باز می‌کنند و حق دارند در هر زمان میزان معینی از حساب خویش برداشت کنید. در سیستم بانک‌داری قسمتی از این سپرده‌ها را به صورت اندوخته نگهداری می‌کنند و از وجوه باقیمانده استفاده مالی می‌نمایند. علت انجام این عمل آن است که تمام صاحبان حساب به طور هم‌زمان تقاضای دریافت پول خود را نخواهند کرد. همان‌طور که از نام این حساب پیداست این حساب جنبه قرض‌الحسنه دارد و وجوه باقیمانده آن باید در جهت مصارف قرض‌الحسنه و بدون اخذ نرخ بهره در جهت مصارف قرض‌الحسنه استفاده گردد. پس قرض‌الحسنه می‌تواند در سیستم بانک‌داری اسلامی نیز به صورتی کاملاً نظام‌مند دایر شده و به تأمین مالی نیازمندان کمک کند.

بخش سوم: قرض الحسنه و کاهش هزینه های تولید

کاهش هزینه تولید افزایش سرمایه گذاری و افزایش تولید را در بر دارد. در واقع آن دسته از گروه‌هایی که قبلاً به دلیل بالا بردن هزینه های تولید و عدم دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان امکان تولید و سرمایه گذاری را نداشتند حال با استفاده از منابع قرض‌الحسنه به تولید روی می‌آورند، در نتیجه استفاده از قرض‌الحسنه در تأمین مالی این بنگاه‌ها به افزایش تولید می‌انجامد. اثر اقتصادی دیگر افزایش سرمایه گذاری که در حقیقت بر افزایش تولید پیشی دارد، افزایش اشتغال نهاده های تولیدی است. در بین افزایش تقاضای سرمایه گذاری، زمینه برای فعال شدن دیگر منابع تولید مثل زمین، مواد اولیه، نیروی انسانی و ... که بدون استفاده باقی مانده بودند، فراهم می‌آید. با توجه به مطالب پیشین انتظار داریم با جایگزینی سیستم تأمین

^۱. رضا اکبریان، «تحلیل از مفاهیم بهره و سپرده‌گذاری در اقتصاد اسلام» مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۸۲، ص ۵۱۹.



مالی قرض الحسنه در برخی موارد به جای سیستم تأمین مالی نظام بهره و یا سیستم مبتنی بر سود، در پی بالارفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یافته، به سمت راست منتقل می شود.

بخش چهارم: قرض، سرمایه انسانی و توزیع درآمد

سرمایه انسانی از جمله زمینه‌های مهمی است که اقدامات عمومی در آن می‌تواند منجر به تفاوت بزرگ در توزیع درآمدها شود. بازدهی اجتماعی این کار بسیار بالاست و سرمایه‌گذاری در زمینه آن به افزایش بهره‌وری نیروی کار، و به تبع آن بالا رفتن درآمد ملی و کاهش نابرابری توزیع درآمد منجر می‌شود.^۱ سرمایه‌گذاری در انسان ظرفیت‌های کسب درآمد انسان در آینده را افزایش می‌دهد.^۲ تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که افراد تحصیل کرده نسبت به کسانی که از تحصیلات کم‌تری برخوردارند، در طول سال ساعات بیشتری را به کار مشغولند و از درآمدها و امکانات بیشتری برخوردارند هم‌چنین می‌توان از مطالعات انجام گرفته چنین نتیجه گرفت که ارتباطی مستقیم بین سرمایه انسانی اعضای خانوار و تحرک اقتصادی خانوار برقرار است. هر چه سطح سواد و تخصص اعضای خانوار بالاتر باشد، تحرک اقتصادی خانوار بیش‌تر است و خانوار از احتمال ارتقای موقعیت درآمدی بالاتری برخوردار است.^۳ اسلام نیز در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار توجه ویژه‌ای به تشویق علم و فضیلت عالم و اهمیت دادن به نقش سرمایه انسانی از خود نشان داده است.^۴ نقشی که در این جا می‌توان برای قرض الحسنه در نظر گرفت، استفاده از قرض الحسنه در زمینه پرداخت وام‌های بدون بهره و یا با کارمزد پایین برای دانشجویان و کسانی است که مایلند دوره‌های مختلف آموزشی را بگذرانند اما توانایی مالی استفاده از آن را ندارند. این افراد می‌توانند با بهره‌مندی از وجوه قرض الحسنه در دوران تحصیل و استفاده از آن، پس از اتمام دوران تحصیلات خود و

۱. حمید ابریشمی، اقتصاد ایران، چاپ اول: علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۵۵.

۲. صادق بختیاری، پیشین، ص ۶۲.

۳. مسعود نبلی، اقتصاد ایران، چاپ اول: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، تهران ۱۳۷۶، ص ۱۴۷.

۴. صادق بختیاری، پیشین، ص ۸۷.

یافتن شغل و یا ارتقای شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام کنند. بنابراین قرض الحسنه به عنوان عاملی که می‌تواند در دوره‌ای از زمان ظرفیت کسب درآمد افراد خانواده‌ها را دست خوش تغییر قرار دهد و تحرک اقتصادی خانوار را افزایش دهد، می‌تواند در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد. البته سرمایه انسانی حتی اگر به صورت عادلانه‌ای در میان تمام جمعیت پخش شده باشد، اما ثروت‌های طبیعی و مادی در دست تعداد محدودی جمع باشد، درآمد به طور کلی نابرابر توزیع خواهد شد و توسعه انسانی چندان موفق نخواهد بود.^۱

بند اول: قرض، اشتغال و توزیع درآمد

مطالعات انجام گرفته در زمینه ارتباط اشتغال و توزیع درآمد نشان می‌دهند عموماً بیکاری باعث افزایش پراکندگی درآمدها می‌شود و کاهش در بیکاری، پراکندگی درآمدها را کاهش می‌دهد.^۲ اشتغال برای افراد جامعه منبعی از درآمد را فراهم می‌آورد و کارکنان را قادر می‌سازد در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند و مولد ارزش باشند و در نتیجه به آن‌ها احساس عزت و اعتبار می‌بخشد. ضمن این که اشتغال برای برداشت کامل از فایده‌های سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ضروری است و در صورت نبود اشتغال افراد نمی‌توانند از نیرو، مهارت، قدرت ابتکار و دانش‌شان به درستی بهره‌گیرند و بازدهی سرمایه انسانی پایین خواهد آمد.^۳ از این رو نقش اشتغال در کاهش نابرابری توزیع درآمد بیش از گذشته آشکار می‌شود. البته کاهش بیکاری تنها زمانی می‌تواند تأثیر مثبت بر توزیع درآمد داشته باشد که به طور وسیع و یا حتی در حد محو بیکاری دائم انجام شود؛ که در این صورت ساختار اقتصاد تغییر کرده و زمینه‌ای مناسب برای کاهش نابرابری فراهم می‌آید.^۴

۱. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، توسعه انسانی (دیدگاه و راهبرد)، ترجمه غلام رضا خواجه پور، چاپ اول: وداد، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۷۳.

۲. ژاک لوکایون و دیگران، بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد اخوی، چاپ اول: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۳۱.

۳. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، پیشین، ص ۱۴۱-۱۴۰.

۴. ژاک لوکایون و دیگران، پیشین، ص ۱۳۱.

مطالعات نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه به خصوص در کشورهای در حال توسعه، به خوبی عمل نمی‌کنند. به خصوص گروه‌های کم درآمد که در برابر رویدادهای غیر منتظره از همه آسیب پذیرترند و کم‌ترین دسترسی را به بازار اعتبارات دارند.^۱ از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهند که گاهی اعتبارهای مالی نظیر تأمین سرمایه در گردش فعالان اقتصادی - به ویژه کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع دستی - به افزایش حجم تولید و رشد درآمدها کمک شایانی در جهت افزایش قدرت تأمین مالی به موقع دیون و تأمین مواد اولیه و مانند آن‌ها می‌تواند داشته باشند. صندوق‌های قرض‌الحسنه تولیدی در جهت ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت بسیار دارند. در واقع چنین ابزاری می‌تواند سبب استفاده از انگیزه‌های معنوی و اخروی در کاهش بیکاری و نیز افزایش تولید شود.^۲ این صندوق‌ها می‌توانند در جهت تأمین سرمایه‌های اولیه تولید و تجارت - البته امور تولیدی کوچک - و تأمین سرمایه در گردش و هم‌چنین قرض دادن ابزار تولید به تولیدکنندگان کوچک، فعالیت داشته باشند و در ایجاد و تداوم اشتغال مؤثر باشد. ضمناً این قبیل وام‌ها عمدتاً با افزایش نسبت افراد فعال به غیر فعال، به تعداد دریافت‌کنندگان درآمد می‌افزاید. به همین جهت می‌تواند در توزیع درآمدها مؤثر باشد.^۳

بند دوم: قرض، الگوی مصرف، الگوی تولید و توزیع درآمد

مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی، از قبیل غذا، سوخت، پوشاک و مسکن، معمولاً به عنوان یکی از پیامدهای عمده توزیع مجدد سریع درآمدها در نظر گرفته می‌شوند.^۴ این مسأله می‌تواند در مورد قرض‌الحسنه نیز رخ دهد. چنانچه مبلغ پرداخت شده به قرض گیرنده در جهت تأمین کالاهای مصرفی وی هزینه گردد باعث افزایش تقاضا می‌گردد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که قرض دهندگان در صورت عدم پرداخت قرض، کم‌تر به مصرف مبلغ قرض

^۱. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، پیشین، ص ۱۷۳.

^۲. علی اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص ۲۴۲.

^۳. مهدی راهب، تأمین اجتماعی، چاپ پنجم: دانشگاه امام رضا (ع)، مشهد ۱۳۷۷، ص ۱۸۶-۱۸۵.

^۴. کیت گریفین و تری مک‌کنلی، پیشین، ص ۲۳.

اقدام کنند و بیش‌تر به پس‌انداز مبلغ مزبور پردازند. اما از آن جا که قسمت اعظم نیازهای مصرفی نیازمندان را کالاهای ضروری تشکیل می‌دهند، می‌توان انتظار داشت که افزایش تقاضا بیش از همه در کالاهای ضروری دیده شود. بنابراین از این که ممکن است کمک‌های قرض‌الحسنه در کوتاه مدت موجب افزایش قیمت‌ها گردد باید هراسان بود. البته میزان اولیه این تقاضای اضافی بسته به میزان ترکیب تقاضاست که بر اثر ترکیب درآمدها صورت گرفته است. به این معنی که برای هر میزان توزیع درآمد معین، مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی با توجه به تفاضل میل نهایی به مصرف کسانی که از توزیع مجدد سود برده‌اند و کسانی که از این امر زیان دیده‌اند تغییر خواهد کرد.^۱ ادامه نتایج حاصل از گسترش قرض‌الحسنه علاوه بر این که باعث تثبیت تقاضا می‌گردد انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری بیش‌تر در تولید کالاهای ضروری را افزایش می‌دهد^۲ و حتی به دلیل کاهش تقاضای کالاهای لوکس، بسیاری از منابع تولید کالاهای مزبور به سوی تولید کالاهای ضروری سوق داده می‌شود. آثار القایی افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری - و هم‌چنین کاهش تقاضای کالاهای لوکس - نتایج زیر را در بر دارد:

۱- با توجه به این که کالاهای ضروری در مقایسه با کالاهای لوکس از نسبت کاربری بیش‌تری برخوردارند و برخلاف کالاهای لوکس که بیش‌تر وارداتی هستند، عمدتاً در داخل کشور تولید می‌شوند؛ می‌توان انتظار داشت با افزایش تولید این کالاهای اشتغال به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

۲- با ادامه این روند الگوی تولید کشور متناسب با نیازهای کشور جهت پیدا می‌کند.^۳

۳- بخشی از درآمدهای ارزی کشور که صرف واردات کالاهای لوکس می‌شد، صرفه جویی می‌شود و تراز پرداخت‌ها بهبود خواهد یافت.

^۱. همان، ص ۲۴.

^۲. مهدی راهب، تأمین اجتماعی، چاپ پنجم: دانشگاه امام رضا (ع)، مشهد ۱۳۷۷، ص ۱۸۶.

^۳. علی اصغر هادی‌نیا، پیشین، ص ۱۴۶.

در چنین شرایطی تغییر الگوی تولید آثار ثانویه‌ای خواهد داشت که در جهت برابر سازی توزیع درآمد عوامل تولید و تقویت آثار اولیه انتقال درآمد به وسیله قرض الحسنه، عمل خواهد کرد.

بخش پنجم: قرض، تورم و توزیع درآمد

به قرض تورم تعلق نمی‌گیرد و در قراردادهای مالی قرض در بانکداری اسلامی از هزینه‌های اداری وام و فعالیت‌های بانک چشم‌پوشی می‌کنند.^۱ یعنی قرض گیرنده تنها موظف است مبلغ اسمی قرض که در ابتدای دوره دریافت کرده است را بازپرداخت نماید. شخص یا مؤسسه مالی که وجوهی را برای مدتی به کسی قرض الحسنه می‌دهند در واقع از هزینه فرصت پول خود صرف نظر می‌کنند. گیرنده قرض که در واقع فرد نیازمندی است با خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود به هنگام دریافت قرض از مابه‌التفاوت قیمت کالاها و خدمات مزبور به دلیل رشد قیمت‌ها در دوره قرض برخوردار می‌گردد؛ زیرا در صورت نبود قرض باید با پس‌انداز کردن پول خود در انتهای دوره اقدام به خرید کالای مزبور می‌کرد که به دلیل وجود پدیده رشد قیمت‌ها متضرر می‌گردید. اما اکنون به دلیل استفاده از منابع قرض الحسنه منفعتی از محل رشد قیمت‌ها عاید وی شده است که در پایان دوره قرض مجبور به بازپرداخت آن نمی‌باشد. قرض گیرنده هم‌چنین می‌تواند با دریافت مبلغ قرض و اقدام به خرید کالاها و خدمات در ابتدای دوره قرض از مابه‌التفاوت قیمت نقد و نسیه نیز بهره‌مند گردد.^۲ زیرا در صورت نبود قرض، با توجه به ضروری بودن کالای مزبور برای وی، ناچار بود کالاها و خدمات را به صورت نسیه به قیمتی بالاتر بخرد که با دریافت قرض چنین اتفاقی نیفتاده است.

بخش ششم: قرض، کاهش انحصارات و توزیع درآمد

طبق دستورات اسلام همه افراد، حق برابر در به دست آوردن منابع و ثروت‌های اولیه تولید نظیر معادن و امکانات اولیه تولیدی دارند و هر کس مطابق میزان توانایی و تلاشش می‌تواند از

۱. منور اقبال، «بانکداری اسلامی» درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، ترجمه مجید حبیبیان نقیبی، چاپ اول: دانشگاه مفید، قم

۱۳۸۴، ص ۴۴۷.

۲. سید عباس موسویان، «طرحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض الحسنه»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱۶، ص ۴۵.

این منابع بهره برد.^۱ اسلام در تمام مواردی که منافع امت یا بخشی از آن در معرض خطر قرار دارند از جمله انحصارات که توازن اجتماعی اقتصادی را به خطر اندازند مخالفت کرده و در برخی موارد ابتکار عمل را به دست دولت می سپارد.^۲ نظام اقتصادی اسلام ابزارهای مناسبی را برای جلوگیری از انحصار در نظر گرفته است. قرض الحسنه از جمله مواردی است که علاوه بر این که زمینه تحقق انحصار را فراهم نمی آورد؛ با انتقال موقت مالکیت به طبقه نیازمندان در واقع یکی از عوامل پیدایش انحصار، که مالکیت است، را خنثی می کند.^۳ ضمناً از آن جا که در قرض الحسنه خصوصی انتقال مالکیت به دولت نیز تحقق نمی یابد، برخلاف سیستم های توزیعی مالیاتی، انحصار دولتی نیز پدید نمی آید.

بند اول: قرض و مشخصات یک توزیع مطلوب

به طور کلی می توان گفت قرض الحسنه شاخص های یک توزیع مطلوب را داراست و می توان از آن به عنوان یک ابزار مناسب در توزیع درآمد برای جامعه اسلامی استفاده کرد؛ زیرا:

اولاً: قرض الحسنه برخلاف سیاست های توزیع مجدد دولتی، انگیزه های تلاش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی برد.^۴ سیاست توزیع کمک هزینه های نقدی و کالایی در بین افراد فقیر می تواند در شرایطی که اشتغال کامل وجود داشته باشد باعث افزایش افراد غیر فعال و کاهش تعداد افراد فعال گردد.^۵ زیرا این گونه کمک ها به افراد کمک می کند که دست از کار بکشند و هزینه خود را به هزینه های دولت تحمیل نمایند. در حالی که در قرض فرد خود را

۱. سعید طاهر، «توزیع در اسلام» درس هایی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد رضا یوسفی، چاپ اول: دانشگاه مفید، قم ۱۳۸۴، ص ۳۷۹.

۲. منذر قحف، «نقش اقتصادی دولت در اسلام» درس هایی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد تقی گیلک حکیم آبادی، پیشین، ص ۲۰۲.

۳. علی اصغر هادوی نیا، پیشین، ص ۱۴۷.

۴. علی اصغر هادوی نیا، پیشین، ص ۲۴۳.

۵. مهدی راهب، پیشین، ص ۱۷۷.

ملزم به پرداخت آن پس از پایان دوره قرض می‌داند؛ بنابراین بر میزان فعالیت خود برای بازپرداخت قرض در پایان دوره می‌افزاید.

ثانیاً: قرض پس از اعمال ساز و کار قیمت‌ها در محدوده تولیدات مباح مطرح می‌شود و بنابراین مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌گردد.^۱

ثالثاً: قرض الحسنه برخلاف مالیات‌ها سبب انتقال در آمد افراد به دولت نمی‌شود و تخصیص بهینه آن در جهت عدالت اجتماعی منوط به وجود برنامه‌های مناسب در چارچوب بودجه عمومی نیست.^۲ در واقع استفاده از قرض به جای کمک‌های بلاعوض و سرمایه‌گذاری‌های که توسط دولت انجام می‌شود، می‌تواند بستری مناسب برای بهره‌مندی از آثار مشارکت عمومی را فراهم آورد و به کاهش بار سنگین حضور دولت کمک کند. یکی از توجیحات حضور دولت در اقتصاد، تلاش در جهت حل نارسایی‌های ناشی از کارکرد بازار است اما ممکن است که حضور بخش دولتی با نارسایی‌هایی همراه باشد. سوءاستفاده گروه‌های دولتی، بروز نتایج بهینه دوم، رانت طلبی، بروز برخی مفاسد نظیر رشوه‌خواری، ناسازگاری اهداف با سیاست‌ها و ابزارهای مورد استفاده و حصول نتایج غیر قابل پیش‌بینی در اثر دخالت دولت، از جمله این نارسایی‌ها شمرده می‌شود که به عملکرد دولت و بودجه عمومی لطمه می‌زنند.^۳ پیاده سازی قرض الحسنه با برنامه‌های مدرن در اموری مشخص و با شرط‌های خاص می‌تواند زمینه مشارکت عمومی و کاهش آثار سوء مداخله دولت در اقتصاد را به همراه داشته باشد. اما به طور معمول قرض الحسنه با ریسک عدم بازپرداخت همراه است.^۴ بنابراین با توجه به وظیفه دولت در نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی جهت اجرای احکام و جلوگیری از انحراف

۱. علی اصغر هادوی‌نیا، پیشین، ص ۲۴۳.

۲. مجید حبیبیان نقیبی، پیشین، ص ۷۸.

۳. یدا... دادگر، اقتصاد بخش عمومی، چاپ اول: دانشگاه مفید، قم ۱۳۸۰، ص ۹۸-۹۹.

۴. همان، ص ۷۴.

از اهداف اقتصادی^۱، دولت می تواند با دخالت در قرض الحسنه به عنوان یک نهاد ناظر و حامی حاضر باشد.

رابعاً: در قرض الحسنه توجه ویژه‌ای به توان اقتصادی افراد جامعه شده است و وظیفه تأمین نیازهای جمعی زندگی افراد به عهده مردم گذاشته شده است تا با استفاده از ابزار قرض به صورت تدریجی نسبت به رفع نیازهای هم و ایجاد توزیع مناسب‌تر درآمدها کمک کنند.

خامساً: از آن جایی که «نیاز» به عنوان یکی از ارکان قرض الحسنه مطرح است، بنابراین در راستای ایجاد زندگی متناسب و تأمین نیازهای اساسی آحاد جامعه مناسب می‌باشد.

بخش هفتم: جایگاه و عملکرد صندوق های قرض الحسنه در ایران

با توجه به مطالب گفته شده، جایگاه قرض الحسنه به عنوان یک نهاد در اقتصاد اسلامی که می تواند نقض مثری در توزیع متعادل درآمدها در جامعه داشته باشد مشخص شد. با توجه به برخورداری قرض الحسنه از اجر اخروی در قانون بانکداری بدون ربا جایگاه ویژه ای برای قرض الحسنه در نظر گرفته شده است. در جدول شماره (۱) میزان تسهیلات اعطایی قرض الحسنه در سیستم بانکی سال های ۸۵-۱۳۶۳ نشان داده شده است. بر طبق اطلاعات جدول، حجم تسهیلات اعطایی قرض الحسنه در سال های ابتدایی اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در حدود ۱۰ درصد کل تسهیلات را به خود اختصاص داده است که سهم قابل توجهی است. اما با گذشت زمان و دور شدن از زمان تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، این سهم با کمی نوسان کاهش یافته و به حدود ۳/۴ درصد از مجموع تسهیلات اعطایی بانک ها کاهش یافته است. نرخ رشد تسهیلات قرض الحسنه نیز در برخی سال ها رقم قابل توجهی بوده و از نرخ رشد تورم فراتر بوده است اما در برخی سال ها نرخ رشدی کم تر از نرخ رشد تورم را تجربه کرده است. با این وجود، سهم این منابع در سیستم مالی از پتانسیل با اهمیتی برخوردار است که می تواند در دستیابی به اهداف ایجاد این نهاد به کار گرفته شود. نکته ای که وجود

دارد این است که گروه‌های هدف این نوع تسهیلات عموماً افراد و خانواده‌های فقیر و کم درآمد را شامل می‌شود بنابراین می‌تواند تأمین کننده اصلی ترین هدف این نهاد، یعنی تقویت شرایط مالی فقیرترین افراد جامعه توسط سایر اقشار باشد و بنابراین وضعیت توزیع درآمدها در کشور را بهبود بخشد.

نتیجه‌گیری

قرض الحسنه یکی از ابزارهای مناسبی است که در نظام اقتصادی اسلام جهت تحقق روش تکلی «حرمت ربا» در نظر گرفته شده است. با وجود این که انتقال ملکیت در آن رایگان نیست، طلب سود در قرض جایگاهی ندارد و با ماهیت آن ناسازگار است. بنابراین قرض الحسنه با انتقال دوره‌ای درآمدها از ثروتمندان به نیازمندان و عدم درخواست سود منفعی را برای نیازمندان به دنبال خواهد داشت و وضعیت توزیع درآمد را دست خوش تغییر قرار خواهد داد. قرض الحسنه با اثرگذاری طولی که خواهد داشت علاوه بر تأمین نیازهای اساسی با تغییر الگوی تولید، ایجاد اشتغال و کاهش انحصارات آثار ثانویه‌ای خواهد داشت که در جهت برابر سازی توزیع درآمد عمل خواهد کرد. با این وجود از بین بردن فقر در جامعه اسلامی و تعدیل توزیع درآمدها به حجم قرض الحسنه و گسترش آن در جامعه اسلامی و شدت فقر و نابرابری بستگی دارد. آنچه که در قرض الحسنه اهمیت فراوان دارد خصوصی بودن آن و حرکت خود جوش مردم و در زمینه رفع نیازهای ضروری یکدیگر و کاهش عدم توازن در جامعه اسلامی می‌باشد و برای حفظ قرض الحسنه به عنوان نهادی که ویژگی‌های یک توزیع مطلوب را داراست دخالت دولت باید صرفاً در زمینه هدایت تقویت انگیزه‌ها و فراهم ساختن زمینه مشارکت هر چه بیش‌تر مردم صورت گیرد. بررسی عملکرد نهاد قرض الحسنه در سطح تسهیلات بانک‌ها نشان می‌دهد که سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها در سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته است و توجه کم‌تری به گسترش این نهاد در دسترسی به اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا شده است اما با این وجود با توجه به حجم قابل تسهیلات مذکور، چنانچه نظام

تخصیص تسهیلات قرض الحسنه به درستی صورت پذیرد می تواند در جهت اهداف بهبود توزیع درآمدها در جامعه عمل کند. نتایج بررسی ها در خصوص عملکرد صندوق های قرض الحسنه نیز نشان می دهد که حجم تسهیلاتی که این صندوق ها در اختیار افراد جامعه قرار می دهند کم تر از تسهیلات اعطایی بخش دولتی می باشد اما با توجه به انگیزه خیرخواهانه و داوطلبانه بودن آن و امکان این صندوق ها در تخصیص بهتر منابع بین نیازمندان جامعه، در دستیابی به رشد درآمد سرانه در مناطق گوناگون کشور و کاهش فقر خانوارهای کم درآمد و محروم نقش به سزایی داشته باشند. در مجموع قرض الحسنه می تواند به عنوان ابزار مفیدی در راستای تحقق اهداف توزیعی و فقر زدایی عمل کند و به همین دلیل می توان آن را سازگار با اهداف توزیعی جامعه اسلامی دانست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. ابریشمی، حمید، اقتصاد ایران، چاپ اول: علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۵.
۲. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل، درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۷۱.
۳. اقبال، منور، «بانکداری اسلامی» درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، ترجمه مجید حبیبیان نقیعی، چاپ اول: دانشگاه مفید، قم ۱۳۸۴.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره اطلاعات سری زمانی.
۵. بختیاری، صادق، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، چاپ اول: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران ۱۳۸۲.
۶. بناء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، چاپ اول: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷.
۷. توتونچیان، ایرج، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، چاپ اول: توانگران، تهران ۱۳۷۹.
۸. جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی (۱)، چاپ پنجم: سمت، تهران ۱۳۸۱.
۹. چپرا، محمد عمر، دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد، ترجمه محمد جواد مهدوی، چاپ اول: آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۴.
۱۰. حبیبیان نقیعی، مجید، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، چاپ اول: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران ۱۳۸۲.
۱۱. حسن زاده، علی، علاء الدین ازوچی و صالح قویدل، «بررسی آثار اعتبارات خرد* در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۱.

* Micro credit.

۱۲. طاهر، سعید، «توزیع در اسلام» درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد رضا یوسفی، چاپ اول: دانشگاه مفید، قم ۱۳۸۴.
۱۳. عزتی، مرتضی، «عوامل مؤثر بر استفاده افراد از پول برای کسب سود یا اعطای قرض الحسنه»، مجموعه مقالات همایش قرض الحسنه؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه مازندران، مازندران، ۱۳۸۴.
۱۴. کمیجانی، علی‌اکبر و علی‌اصغر هادوی‌نیا، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، مجله نامه مفید، ش ۱۴.
۱۵. لوکایون، ژاک و دیگران، بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد اخوی، چاپ اول: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران ۱۳۷۳.
۱۶. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از صندوق‌های قرض الحسنه، سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی